

رقابت بر سر ظاهر بازی دوسر باخت برای زنان و خانواده

«جوان» در گزارشی درباره بحران کاهش ازدواج در کنار فشار اقتصادی، به تأثیر بی‌حجابی در تغییر الگوی رابطه زنان و مردان کاهش تعهد و دشوار تر شدن تشکیل خانواده در کشور پرداخته است



“

مشاهدات میدانی در تهران نشان می‌دهد امروز بخش مهمی از جوانان با قرارهای پیش از ازدواج موافق هستند و نگرش‌های اباحه‌گرایانه نسبت به تعاملات عاطفی و حتی جنسی در میان جوانان با سبقه مذهبی کمتر، بیشتر است. بر این اساس باید نگرش نسبت به خود رابطه ازدواج را از منظر تغییر از دواج فهمید



معمدهای سالی | جوان

مقطع زندگی قصداز دواج نداشته باشد و پوشش خود را بخشی از هویت، آزادی شخصی یا سبک زندگی خود بداند اما جامعه همیشه ثابت نمی‌ماند. ممکن است فردی در ۲۰سالگی دنبال تجربه و آزادی باشد، در ۲۸سالگی به رابطه پایدار فکر کند و در ۳۲سالگی تشکیل خانواده برایش به اولویت تبدیل شود. اینجاست که ممکن است میان توجه گرفتن و تعهد گرفتن فاصله آشکار شود. ممکن است فرد در یک دوره زمانی خواهان بسیاری داشته باشد، اما بخش قابل توجهی از این خواسته‌ها اساساً به ازدواج ختم نشود. بنابراین، فراوانی مخاطب عاطفی، شاخص مناسبی برای سنجش امکان ازدواج نیست. از سوی دیگر یک پژوهش بزرگ که در سه مطالعه، مجموعاً ۵هزارو ۳۳۱ نفر را در ۱۱ کشور و پنج منطقه جهان بررسی کرده، نشان داد تعداد بیشتر شرکای جنسی گذشته، به‌طور میانگین با کاهش تمایل به انتخاب فرد به‌عنوان شریک بلندمدت همراه است. این یعنی می‌توان گفت سابقه عاطفی یا جنسی برای بسیاری از افراد هنگام تصمیم برای یک رابطه بلندمدت، مهم است. مسئله این است که در اکثر جوامع یکی از معیارهای مردان برای انتخاب همسر فارغ از مسائل ظاهری میزان اعتمادی است که می‌توانند به آن زن داشته باشند حتی بسیاری از موارد دیده شده مردان که اصطلاحاً سوابق عیاشی زیادی دارند نیز زمان انتخاب همسر سعی می‌کنند از میان کسانی که روابط کمتری داشته‌اند انتخاب می‌کنند. در این مورد مشخص است که طبیعتاً زنان به واسطه دوشیزگی در هنگام ازدواج سابقه رابطه روشن‌تری دارند و البته مردان در مخفی کردن روابط قبلی خود موفق‌تر هستند. حالا اگر بی‌حجابی نشانه‌ای از الگویی شامل نمایش مداوم، رقابت ظاهری و روابط متعدد باشد آن‌گاه زنان ممکن است با پیامدهای همین الگو مواجه شوند.

■ فرهنگ نمایش و هزینه‌های پنهان

در محیطی که ظاهر تبدیل به ابزار رقابت شده، هزینه دستیابی به استاندارد مورد انتظار می‌تواند مر تب افزایش پیدا کند؛ لباس، آرایش، سسالن زیبایی، مراقبت‌های زیبایی، جراحی و دیگر هزینه‌های مربوط به ظاهر از این جمله هستند. پژوهش‌های جدید درباره شبکه‌های اجتماعی نیز از ارتباط فضای تصویری وایدال‌های زیبایی با افزایش نگرانی درباره ظاهر و تمایل بیشتر برخی کاربران به مداخلات زیبایی خبر می‌دهند. به این ترتیب، فرد وارد یک مسابقه بدون خط پایان می‌شود. برای دیده‌شدن باید جذاب باشم، برای جذاب ماندن باید بیشتر هزینه کنم و برای عقب نماندن از دیگری باید دانمآ خودم را ارتقا دهم. در این شرایط در جامعه نمونه‌هایی از روابطی نیز دیده می‌شود که در آن فرد همزمان با چند نفر ارتباط دارد و از هر کدام منفعت مادی یا عاطفی دریافت می‌کند. اگر چنین رفتاری رخ دهد، از نظر جامعه‌شناختی تبدیل رابطه انسانی به مبادله منفعت است. وقتی فرد مقابل دیگر یک شریک عاطفی نباشد تبدیل به منبع پول، هدیه، موقعیت یا خدمات شود، منطق رابطه تغییر می‌کند. حتماً نمی‌توان این رفتار را به همه دختران و زنان تعمیم داد ولی مشخص است که این نوع رفتارها سوژداشت خود را در میان بخش زیادی از مردان ایجاد می‌کند. مسئله اصلی، سازوکاری است که در آن ارزش رابطه به جای اعتماد، به منفعت قابل دریافت وابسته می‌شود. در اینجا فقط جامعه بی‌حجابی نیست بلکه موضوعی است که بی‌حجابی در جامعه امروز نماینده آن شده است و این مسئله فردی‌شدن رابطه و تجاری‌شدن توجه است.

هرچند بی‌حجابی به تنهایی رفتار عاطفی یا اخلاقی فرد را تعیین نمی‌کند و یک زن بی‌حجاب ممکن است کاملاً وفادار، مسئول و خانواده‌محور باشد و حتی یک فرد محبیه نیز ممکن است چنین ویژگی‌های نداشته باشد اما متغیری که از نظر اجتماعی مهم است الگوی کلی رابطه است. هرچه رابطه بیشتر به یک فرایند رقابتی و کوتاه‌مدت تبدیل شود، احتمالاً تعهد بلندمدت با چالش بیشتری مواجه خواهد شد. و امروز بی‌حجاب‌ها بیشتر از با حجاب‌ها در مظان اتهام روابط چندگانه قرار دارند و معمولاً هر چقدر میزان برهنگی فرد افزایش پیدا می‌کند به عنوان نمادی بر روابط بیشتری و چندگانه آن فرد تعبیر می‌شود.

از سوی دیگر (یک و یک – گرنشایم) نشان داده‌اند، در جامعه فردی‌شده، انسان بیش از گذشته مسئول ساختن زندگی و تصمیم‌های شخصی خود می‌شود و این آزادی همزمان با افزایش نااطمینانی و ریسک همراه است، یعنی پارادوکس بزرگ روابط معاصر به این نحو شکل گرفته که گزینه‌های انتخاب بیشتری پیدا می‌کند به عنوان نمادی بر روابط بیشتری و چندگانه آن فرد تعبیر می‌شود.

از دواج دقیقاً برای همین هزینه‌دار طراحی شده است؛ در چارچوب اسلامی و سپس در حقوق خانواده ایران، ازدواج قرار نیست صرفاً یک احساس به سرعت قابل فسخ باشد. با عقد ازدواج، تعهدات مشخصی ایجاد می‌شود. در حقوق ایران، ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مالکیت زن بر مهر را از لحظه وقوع عقد به رسمیت می‌شناسد؛ ماده ۱۱۰۶ نفقه زن را در نکاح دائم بر عهده شوهر می‌گذارد و ماده ۱۱۰۳ زوجین را به حسن معاشرت مکلف می‌کند.

این ساختار یک پیام اجتماعی روشن دارد و آن این است که رابطه‌ای که قرار است خانواده بسازد، باید بر طریقین مسئولیت ایجاد کند. علاوه بر این، قانون برای طلاق و ازدواج مجدد نیز سازوکارها و محدودیت‌هایی پیش‌بینی کرده است. از منظر جامعه‌شناختی، می‌توان این مجموعه را سازوکاری برای افزایش هزینه خروج و در نتیجه افزایش انگیزه حل اختلاف و حفظ رابطه دانست. حال تصور کنید در شرایطی که برخی زنان هزینه ازدواج برای مردان کاهش می‌دهند و علا تبدیل به گزینه‌های ارزان برای ارضای نیازهای عاطفی و جنسی مردان بدون سپردن هیچ‌گونه تعهدی می‌شوند طبیعتاً برخی مردان نیز ترجیح می‌دهند بدون پرداختن این هزینه‌ها به راحتی از گزینه‌های متنوع‌تر و البته در دسترس‌تر و بدون پرداخت تعهد نهایت استفاده را انجام دهند.

بی‌حجابی و آرایش‌های آنچنانی خود را آزادی در انتخاب شکل ظاهری و پوشش خود بداندند ولی طبیعتاً با افزایش سن کم‌کم این افراد نیز احساس می‌کنند که تعداد افراد خواهان آنها کاهش پیدا کرده و طبیعی است که هر انسانی متعادلی از نظر روانی، خواهان آن باشد که یک شریک زندگی داشته باشد اما برای مردی که از تعهدات اخلاقی و مذهبی فارغ است و داشتن گزینه‌های جدیدتر را دسترس می‌بیند امکان دارد ایجاد تعهد یا حتی پابندی با تعهدات قبلی منطقی جلوه نکند.

■ شبکه‌های اجتماعی، کارخانه مقایسه

اکنون متغیر دیگری نیز وارد ماجرا می‌شود و آن شبکه‌های اجتماعی است. فضای مجازی نه فقط امکان آشنایی را افزایش داده، بلکه مقایسه اجتماعی را نیز دائمی کرده است. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که مواجهه مداوم با تصاویر ایده‌آل‌شده در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه رسانه‌های تصویری مانند اینستاگرام، با مقایسه ظاهر، نارضایتی از بدن و درونی‌سازی معیارهای غیر واقع‌بینانه زیبایی ارتباط دارد. این همان جایی است که یک مفهوم جامعه‌شناختی مهم وارد بحث می‌شود و آن این است که بدن و ظاهر دیگر فقط ویژگی شخصی نیستند بلکه به ابزار عرضه خود تبدیل می‌شوند. فرد خودش را به دیگران نشان می‌دهد، بازخورد می‌گیرد و بعد بر اساس آن بازخورد، تصویر خود را دوباره تنظیم می‌کند.

بنابراین، در حالی که بخشی از آرایش، لباس، جراحی زیبایی یا نمایش ظاهر می‌تواند کارکردی کاملاً شخصی داشته باشد اما در سطح جمعی، اگر این روند وارد مسابقه مقایسه شود، فشار دیگری ایجاد می‌کند و آن است که اگر دیگری زیباتر است؛ پس من هم باید بیشتر تلاش کنم.

■ از زیبایی تا رقابت

در چنین شرایطی رقابت بر سر زیبایی ممکن است بعضی دختران جوان تصور کنند هر چه بیشتر دیده شوند، انتخاب‌های بیشتری خواهند داشت. این تصور حتی الزاماً از ابتدا با نیت ازدواج نیز همراه نیست. ممکن است فرد اساساً در آن

و شواهد قابل توجهی پشت آن وجود دارد. در نتیجه، ممکن است فرد از ابتدا هم خیانت را نپذیرد اما اگر دائماً با این احساس زندگی کند که اگر این رابطه تمام شود، نفر بعدی به‌راحتی پیدا می‌شود، آستانه روانی برای خروج از رابطه می‌تواند پایین‌تر بیاید. اینجاست که جامعه‌ای با گزینه‌های فراوان، الزاماً جامعه‌ای با ازدواج‌های پایدار بیشتر نیست بلکه در شرایطی که برخی از زنان در رقابت برای جلوه‌گری بیشتر هستند برخی از مردان را نیز به سمت عدم تعهد نسبت به روابط خود سوق می‌دهند.

شاید برخی زنان تصور می‌کنند در شرایط حاد اقتصادی و کم شدن ازدواج‌ها در رقابتی هستند که هر کس خود را بیشتر نمایان کند و روابط بیشتری با مردان داشته باشد می‌تواند شوهر یا حداقل پارتنر بهتری پیدا کند؛ حالا به جز اینکه این افراد برای خودنمایی نیاز به هزینه‌های گزاف برای زیبا نشان دادن خود هستند از طرف دیگر چون فضا به سمت یک رقابت می‌رود امکان دارد همین دختران به راحتی ازسوی یک پسر به واسطه پیدا کردن دختری زیباتر از آنها نیز کنار گذاشته شوند و همین مسئله موجب شده برخی زنان نیز به شکل مخفیانه ارتباط با چند پسر را عادی‌سازی کنند و اصلاحاً با تنب زدن همزمان آنها هزینه‌های خود را تأمین کنند. ممکن است این دختران اباحه‌گر حتی در ابتدا اصلاً به فکر ازدواج هم نباشند و دلیل

وقتی تعداد ازدواج‌ها کاهش پیدا می‌کند، ساده‌ترین کار این است که همه تقصیر را به گردن اقتصاد بیندازیم اما جامعه فقط با مشکلات پول و مسکن مواجه نیست. در سال‌هایی که تورم، بیکاری، اجاره‌خانه و هزینه شروع زندگی ازدواج را دشوار کرده‌اند، همزمان الگوی آشنایی، انتخاب شریک و حتی تصور جوانان از رابطه نیز تغییر کرده است. در این میان، افزایش جلوه‌گری ظاهری، گسترش روابط عاطفی خارج از ازدواج و تبدیل شدن انتخاب شریک زندگی به نوعی رقابت دائمی بر سر جذابیت و گزینه‌های بیشتری می‌تواند نه علت مستقل بحران ازدواج، بلکه عامل تشدیدکننده آن باشد زیرا فاصله میان داشتن رابطه و ساختن خانواده را بیشتر می‌کند.

■ علل کم شدن ازدواج‌ها

هیچ تحلیل جامعه‌شناختی جدی نمی‌تواند کاهش ازدواج در ایران را به یک عامل فرهنگی تقلیل دهد. پژوهش‌های اقتصادی درباره ایران سال‌هاست از نقش مسکن، بیکاری، درآمد و هزینه تشکیل خانواده سخن می‌گویند. مطالعه‌ای استانی در فاصله سال‌های دهه ۸۰ نشان داد افزایش هزینه‌های مسکن با کاهش نرخ ازدواج ارتباط داشته و کاهش بیکاری و وام‌های ازدواج با افزایش آن همراه بوده است. حتی این پژوهش‌ها افزایش هزینه‌های آموزش عالی را نیز با کاهش نرخ ازدواج مرتبط دانسته‌اند.

همچنین مطالعات جدیدتر درباره خانواده نیز نشان می‌دهند که فشار اقتصادی، مشکلات مسکن و احساس نااطمینانی درباره آینده از موانع مهم تصمیم‌گیری برای تشکیل خانواده در کشور هستند. در این شرایط مسئله ریسک‌گریزی و نااطمینانی نسبت به آینده از عوامل مهم به تعویق افتادن تصمیم‌های خانوادگی در میان پاسخ‌گویان و مخصوصاً پسران برای تشکیل خانواده است.

بنابراین نقطه شروع روشن است و آن اینکه جوان ایرانی ممکن است ازدواج را بخواهد اما توان اقتصادی ورود به آن را در خود احساس نکند البته مسئله از جایی پیچیده‌تر می‌شود که این جوان، در همان شرایط بتواند نیاز عاطفی و بخشی از نیاز اجتماعی خود را از راه دیگری پاسخ دهد. هرچند اقتصاد ازدواج را گران کرده اما فرهنگ رابطه ممکن است آن را غیر ضروری کند. اینجا باید میان دو اتفاق تفکیک کرد. یک اتفاق این است که جوان بگوید ازدواج می‌خواهم اما فعلاً توان مالی ندارم ولی اتفاق دیگر این است که بگوید برای داشتن رابطه عاطفی، لزوماً به ازدواج نیاز ندارم. در حالت اول، بحران اقتصادی ازدواج را به تعویق انداخته است اما در حالت دوم، تغییر فرهنگی یک جایگزین برای ازدواج ایجاد کرده است. مشاهدات میدانی در تهران نشان می‌دهد امروز بخش مهمی از جوانان با قرارهای پیش از ازدواج موافق هستند و نگرش‌های اباحه‌گرایانه نسبت به تعاملات عاطفی و حتی جنسی در میان جوانان با سبقه مذهبی کمتر، بیشتر است. بر این اساس باید بخشی از تغییر در آمار ازدواج را از منظر تغییر نگرش نسبت به خود رابطه ازدواج فهمید.

■ فردی‌شدن رابطه

اولریش یک، جامعه‌شناس آلمانی، یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان مفهوم فردی‌شدن در جهان معاصر است. در این چارچوب، مرد مدرن بیش از گذشته مجبور است زندگی خود، هویت خود و حتی رابطه عاطفی خود را شخصاً انتخاب و مدیریت کند. خانواده‌ای که در گذشته تا حد زیادی با سنت، خویشاوندی و قواعد جمعی تثبیت می‌شد، به تدریج بیشتر به رابطهای تبدیل می‌شود که باید دائماً انتخاب و بازتولید شود. در جامعه سنتی، فرد ممکن بود ازدواج را مرحله طبیعی زندگی بداند اما در جامعه فردی‌شده، پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود مانند اینکه آیا گزینه بهتری پیدا می‌شود؟ آیا این رابطه هنوز رضایت‌بخش است؟ آیا باید بمانم یا فرد دیگری را انتخاب کنم؟ این همان نقطه‌ای است که بحران ازدواج می‌تواند از یک مسئله اقتصادی به یک مسئله جامعه‌شناختی تبدیل شود. آنتونی گیدنز در تحلیل تحول روابط صمیمانه در مدرنیته، از مفهوم رابطه ناب سخن می‌گوید؛ رابطه‌ای که بقای آن بیش از گذشته به رضایت دو طرف وابسته است و تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که برای طرفین کارکرد عاطفی و رضایت‌بخش داشته باشد. پژوهش‌ها درباره نظریه فردی‌شدن نیز این ایده را در کنار نظریات یک بررسی کرده‌اند. مشکل از نگاه اجتماعی زمانی پدیدار می‌شود که منطق رابطه ناب، در محیطی قرار گیرد که در آن گزینه‌های جایگزین دائماً در برابر چشم افراد قرار دارند. در چنین شرایطی، تحمل اختلاف، شکست، عادات‌های ناخوشایند و فراز و نشیب طبیعی زندگی مشترک ممکن است دشوارتر شود؛ چرا که فرد تصور می‌کند پایان این رابطه، لزوماً پایان امکان رابطه نیست و در این میان مخصوصاً اگر مرد از توان مالی مناسبی هم برخوردار باشد به راحتی خود را با گزینه‌هایی با ظاهری جدیدتر و همسر خود روبه‌رو می‌بیند که تمام تلاش خود را برای جلوه‌گری انجام داده‌اند.

■ مسئله گزینه جایگزین

ایده جایگزینی در روانشناسی روابط نیز نشیوانه نظری قدرتمندی دارد. مدل سرمایه‌گذاری روسلنت توضیح می‌دهد که تعهد یک رابطه تحت تأثیر سه عامل مهم شامل رضایت از رابطه، میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در آن و کیفیت گزینه‌های جایگزین است. هرچه فرد گزینه‌های جایگزین جذاب‌تری ببیند، در شرایط مشابه تعهد او به رابطه می‌تواند کمتر شود. این مدل در مطالعات متعدد مورد آزمون قرار گرفته